



حسین دهقان

نشست ۱۷۱ اوپک با دیگر نشست‌های عادی این سازمان متفاوت بود، زیرا دستور این جلسه قطعیت‌بخشیدن به تفاهم وزیران اوپک در نشست سپتامبر گذشته الجزایر مبنی بر تصویب برنامه اجرایی کاهش تولید کل اوپک به سطح ۳۲٫۵ میلیون بشکه بود. درحالی‌که طبق برآوردها هم‌اکنون تولید اوپک بیش از ۳۴ میلیون بشکه در روز است، برنامه سهمیه‌بندی کاهش مازاد تولید هدف‌گذاری شده در دو ماه گذشته موضوع مذاکرات دوجانبه و چندجانبه مقام‌های کشورهای اوپک بوده، اما در ظاهر تاکنون نتیجه قطعی از این مذاکرات تا پیش از نشست وزیران اوپک به دست نیامده است.

اما آنچه بر اساس تصورات انتظارش می‌رفت، در این نشست، با توجه به موضوع آن که بدون شک بر بازارها و قیمت نفت اثر گذاشته و آزمونی بر توانایی اوپک بر لبه اختلاف‌های درونی برای رسیدن به یک تصمیم متفق‌القول بود، برآورد تلاش‌های ایران هم برای افزایش تولید خود به سرانجام رسید.

آنچه دراین‌میان مهم است و در پی توافقی‌های وین میان تحلیل‌های مثبت و امیدوارکننده کم و به آن کمتر پرداخته شد، بحث داغ این روزهای مازاد تولید اوپک است آن هم در شرایطی که آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌تر رشد تقاضای نفت در سال ۲۰۱۶ را یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز پیش‌بینی کرده بود که نسبت به یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز سال ۲۰۱۵ افت قابل توجهی داشته، در پیش‌بینی کنونی این رقم به یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است.

پیش از آغاز برگزاری نشست مجمع بین‌المللی انرژی در الجزایر، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی در گفت‌وگو با شبکه خبری بلومبرگ، نسبت به احتمال تداوم مازاد عرضه موجود نفت در بازار جهانی هشدار داد. وی در این مصاحبه تاکید کرده بود تقاضای نفت در جهان کمتر از میزان مورد انتظار بوده است.

در نتیجه نشست اخیر وزیران نفت و انرژی اوپک افزون بر اعضای دیگر، برای ایران (به عنوان عضو مهم دیگر اوپک) حساسیتی به‌مراتب بیشتر داشت، زیرا شکست نشست به معنی سقوط بیشتر قیمت نفت و مشکلات مربوط به کسری بودجه عمرانی کشور از یک‌سو و چالش احتمالی موضع ایران مبنی بر اعاده سهم منصفانه ایران از بازارهای نفت بود که هنوز پس از لغو تحریم‌ها حاصل نشده است، اما حال که ایران به مواضع خود دراین‌باره دست یافته، می‌توان آن را به‌مثابه یک پیروزی کامل بدانیم؟ آیا کاهش سقف تولید اوپک و هم‌زمان با آن افزایش تولید ایران لطمه‌ای به بازار جهانی و در پی آن بازار داخلی نمی‌زند؟ آیا به‌طور کلی هم‌اکنون بازار نفت با وجود نااطمینانی‌های فراپنده با تقاضای جهانی درحال افزایش روبه‌رو نیست؟ و ازسوی دیگر، وضع روابط بین‌المللی با نتیجه غیرمترقبه انتخابات آمریکا تغییر کرده و همچنین روابط پیچیده اعضای اوپک به‌ویژه

تغییر و نوسانات بهای جهانی نفت خام چه با کاهش و چه با افزایش خود با توجه به نوع فعالیت صنایع مختلف، می‌تواند به دو صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد و سودآوری صنایع و گروه‌های مختلف و به تبع آن قیمت سهام در نمادهای مختلف بازار و در نهایت شاخص کل بورس تأثیرگذار باشد. اما در نگاهی خاص‌تر و ویژه‌تر شرکت‌های پالایش نفت و پتروشیمی ازجمله گروه‌هایی هستند که این تغییرات قیمت جهانی نفت خام می‌تواند به صورت مستقیم‌تری بر آنها تأثیرگذار باشد. در این تحقیق به رابطه این دو مقوله (بهای جهانی نفت و شاخص بورس) به‌خصوص در بازار سرمایه و بورس ایران خواهیم پرداخت و تأثیر تغییرات قیمت جهانی نفت را که در سه سال گذشته سقوط قیمتی چشمگیری در کنار سقوط قیمت فلزات جهانی و رکود اقتصادی کشور داشته، بررسی کرده و در ادامه شرایط سختی را که این تأثیرات برای بورس کشور رقم زده تحلیل خواهیم کرد.

رابطه مفروضات قیمت نفت و شاخص‌های بورس: آنچه مسلم است در میان شاخص‌های بورس، سهم تأثیرپذیری بازار شرکت‌های پالایشگاهی و پتروشیمی در بازار بورس ایران به واسطه رابطه مستقیمش نسبت به بازارهای جهانی بیشتر بوده و تقریباً ۳۰ درصد از ارزش بازار ایران به‌طور مستقیم به قیمت نفت وابسته است. بنابراین می‌توان گفت

نفت و انرژی

نگاهی به فرصت‌های احتمالی توافق اوپک



تفاوت معنادار و شدیدی وجود دارد که اگر این برآورد را درست بدانیم، میزان تولید جهانی‌اش به‌علاوه تولید اوپک در سطح ۳۳میلیون و ۹۰۰ هزار چیزی حدود دومیلیون و ۵۰۰ هزار بشکه مازاد عرضه نفت در روز وجود دارد و سؤال اینجاست حتی با توجه به کاهش تولید اوپک، آیا این نهاد به تولید خود در سطح مشابه سال جاری ادامه خواهد داد ؟ و این استمرار تأثیر منفی بر مازاد عرضه نفت در سال آینده ندارد؟ آمار دوم مربوط به گزارش ماهانه IEA و اوپک است که بازم در این آمارها وضعیت نگران‌کننده است به‌طوری‌که حتی اگر پیش‌بینی‌های IEA و اوپک در نظر گرفته شود، بازم مازاد عرضه نفت درخورتوجه است. برآوردهای هر دو سازمان که در گزارش‌های ماهانه این سازمان‌ها در ماه نوامبر ۲۰۱۶ آمده است، حاکی از بالابودن مازاد تولید در سال آینده با قرض اقدام‌نکردن اوپک است منتها این مازاد در برآورد IEA در فصل اول سال آینده ۸۵۰ هزار بشکه در روز و در فصل دوم سال آینده نیز به همین میزان است. ولی دراین‌باره برآورد دبیرخانه اوپک در سه‌ماه اول سال آینده میلادی حدود ۲۰۳۷ میلیون و در

سه‌ماه دوم ۱۰۸۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود. ولی در یک بررسی کلی ملاحظه می‌شود برآورد Oil Market Intelligence به برآورد اوپک نزدیک‌تر است. اما نکته اینجاست که در برآوردهای IEA، اوپک و Petroleum Intelligence Weekly میزان تقاضا به‌شدت کمتر از عرضه بوده که این مهم می‌تواند در ثبات‌داشتن قیمت نفت و چالش‌های بعدی ایران در آینده تأثیرگذار باشد. از دیگر سو در حال حاضر و براساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، ظرفیت مازاد تولید کل اوپک (که معمولا بیشترین بخش آن متعلق به عربستان بوده است) به یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است که با درنظرگرفتن مازاد ظرفیت تولید دیگر کشورهای اوپک مانند ایران، لیبی، نیجریه و... به‌نظر نمی‌رسد مازاد ظرفیت تولید عربستان حتی به یک میلیون بشکه در روز برسد. در حال حاضر جمع کل مازاد ظرفیت تولید (Spare capacity) اوپک حدود یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه است که از متوسط ۱۰ساله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ یعنی دومیلیون و ۳۰۰ هزار بشکه کمتر است.

حتی اگر یک میلیون بشکه از ظرفیت مازاد اوپک

را متعلق به عربستان بدانیم (لیبی و برخی دیگر از کشورهای عضو نیز درحال حاضر به دلایل مختلف دارای مازاد بالقوه ظرفیت تولید هستند که اگر آنها را در نظر بگیریم، ظرفیت مازاد عربستان حتی می‌تواند کمتر از یک میلیون بشکه باشد) که برای استمرار تولیدی در سطح ۱۰ میلیون بشکه در روز نگهداری این سطح از ظرفیت مازاد تولید ضروری است، معلوم می‌شود تهدیدهای آن کشور برای افزایش تولید خود در صورت توافق‌نکردن اوپک نمی‌تواند جدی باشد. قراردادن این اطلاعات در کنار اطلاعات مربوط به کاهش سرمایه‌گذاری‌های «آرامکو» برای اجرای پروژه‌های بالادستی، افزایش ظرفیت تولید در سه سال اخیر و نیز کاهش درآمد و کسری بودجه عربستان دالت بر آن دارد که ممکن است آن کشور حتی در کوتاه‌مدت، یعنی یکی، دو سال آینده نیز قادر به افزایش ظرفیت تولید خود نباشد، زیرا برآورد شده است دولت عربستان برای اجرای پروژه‌های نیمه‌تمام به قیمت نفت حداقل ۶۰ دلار در هر بشکه نیاز دارد. دراین‌صورت تلاش عربستان بر حفظ تولید خود در سطح کنونی و نیز حفظ انبارهای نفت خود در حد متوسط

سال‌های اخیر خواهد بود. نکته مهم دیگر وضعیت نامتعادل، نامشخص و ناهماهنگ عربستان در قبال دولت ترامپ است به بیان دیگر احتمال کمی وجود دارد عربستان دنبال بهانه‌ای در کنفرانس وین برای برهم‌زدن کنفرانس و عقیم‌گذاشتن توافق الجزایر باشد تا فرصت کافی برای هماهنگ‌کردن سیاست‌های نفتی خود با دولت جدید آمریکا به دست آورد درنتیجه ایران باید با رابزنی‌های مختلف با کشورهای همسو مانند الجزایر، عراق، ونزوئلا و... دراین‌باره ادامه راه تولیدش را حفظ کرده و به‌این‌وسیله از افتادن به دام چالش‌های نفتی آینده که شاید نتیجه هماهنگی عربستان و دولت به‌شدت متشتت ترامپ باشد، جلوگیری شود.

باین‌حال، همان‌طور که در مقدمه هم بحث شد، درنهایت سؤالی که پیش می‌آید این است آیا نتیجه نشست اخیر در کل به سود ایران بوده ؟ و آیا این نتایج ثبات و پایداری لازم را در پی خواهد داشت؟ با توجه به نکاتی که در بالا مرور شد در کنار همه اتفاقات خوب چهارشنبه نفتی، امکان بی‌ثباتی احتمالی قیمت‌های نفت را هم باید در نظر داشت، لازم است ایران موضع حساب‌شده‌ای در قبال سیاست‌های آتی اقتصادی اوپک در نشست صدهفتادومد اتخاذ کند؛ موضعی که اولاً در جهت حمایت عملی اوپک بوده و ثانیاً به‌حق‌بودن مواضع دو سال گذشته ایران را نشان دهد.

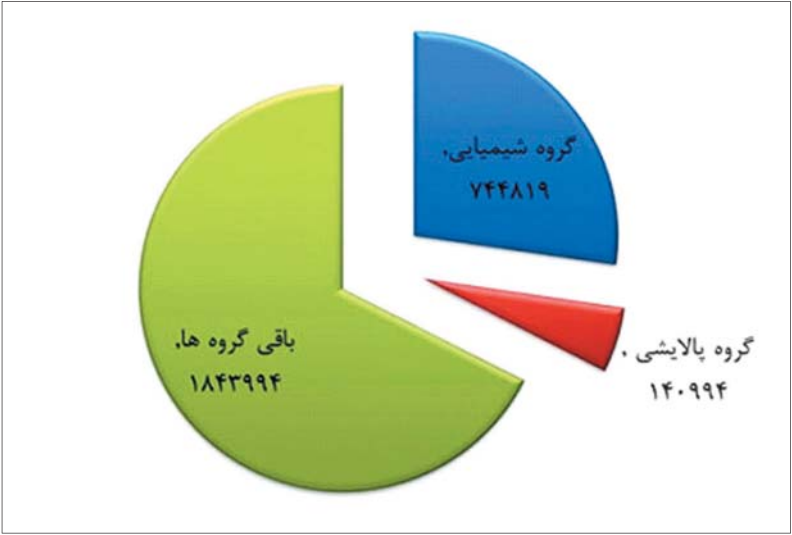
درنهایت برای حفظ شرایط موفقیت‌آمیز فعلی در کنفرانس ۱۷۱ باید در کنفرانس آینده بر دو محور اساسی مانور داد؛ اولاً همچون کنفرانس ۱۷۱ می‌توان مسئولیت بیشتری برای کشورهایی در نظر گرفت که ثبات‌نداشتن بازار نفت را به واسطه سیاست‌هایشان در پی داشته‌اند که یکی از مصداق‌های بارز آن خود ایران است، ثانیاً باید به پیشنهاد مستناشدن ایران از طرح کاهش تولید که در نشست صدهفتادویکم مطرح و عملی شد، ادامه داد و با این توجه شاید وضعیت کنونی اقتصادی و صنعت نفت عربستان و عراق به احتمال قوی ناگزیر از کنارآمدن با ایران در آینده هم باشند و در نتیجه تداوم شرایط کنونی کاهش تولید خود بدون کاهش تولید نفت ایران را بی بگیرند به‌شرطی که ایران هم تلاش‌های دیپلماتیک و اقتصادی‌اش را با قدرت هر چه بیشتری در جهت همکاری با سایر اعضا در پی گیرد. این موضوع به‌ویژه برای عربستان که خود را رهبر اصلی و عملی اوپک دانسته و بارها اظهار کرده است بدون همکاری همه کشورهای عضو توافقی عملی نخواهد شد، اهمیت بسزایی دارد. شاید عربستان در نشست اخیر حاضر به پذیرتن سقف تولید سه‌میلیون و ۷۷۰ هزار بشکه برای ایران شده، اما چه تضمینی برای ادامه این سیاست از طرف عربستان وجود دارد درحالی‌که در نشست اخیر خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان، به عنوان رئیس دوره‌ای اوپک و محمد المزروعی، وزیر انرژی امارات، به عنوان نایب‌رئیس از ژانویه ۲۰۱۷ می‌توانند اهرمی در جهت سیاست‌های عربستان باشد چه‌سا در مورد کشوری مانند عراق که از هم‌پیمانان عربستان در اوپک است، در همین نشست اخیر بر کاهش تولید نفت عراق اصرار داشته و تا ۲۱۰ هزار بشکه سقف آن را کاهش داد.

که مشخص است، پس از به‌تعادل‌رسیدن بازار در این سه‌ماهه، روند بازار با روند بازار براساس تغییرات قیمت نفت همسو بوده و این امر نشان از تأثیر بالای تغییرات قیمت نفت بر کلیه صنایع بازار دارد. در این‌صورت می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که توجه سهام‌داران از تغییرات آتی به سمت تغییرات ثبت‌شده در صورت‌های مالی بیشتر جلب شده که نشان دهنده منطقی‌شدن بازار است.

نتیجه‌گیری:

با نگاهی کلان‌تر به دو سال گذشته، بازار سرمایه و بورس ایران (سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵) راکد بود که این ناشی از کاهش قیمت‌های نفت همسو با تحریم‌های نفتی و بانکی، بر بازار سهام تأثیر منفی می‌گذارد و رکود این بازار را سبب می‌شود. اما با اجرایی‌شدن برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در ژانویه ۲۰۱۶ (دی ماه ۹۴) و لغو تحریم‌های نفتی و بانکی، ورق در بازار سرمایه برگشت و شاخص‌ها روند صعودی به خود گرفتند و شاخص کل از ۶۵ هزار واحد به ۷۹ هزار واحد صعود کرد و ارزش آن ۲۰ درصد افزایش یافت، سیاست روشن وزارت نفت مبنی بر رساندن تولید نفت به سطح پیش از تحریم و استقبال شرکت‌های بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران از جمله انرژی، خودرو و بورس، آینده روشنی را برای بازار سرمایه این کشور ترسیم کرده است.

تأثیر قیمت جهانی نفت بر شاخص‌های بورس ایران



نیز مشخص است، قیمت نفت تأثیر آتی بر شاخص بازار دارد. براساس نمودار ذیل نیز مشخصاً در شرایطی که قله‌های قیمت وجود دارد متغیرهای

را در ۳۵۰ روز گذشته نشان می‌دهد. روند سبز بیانگر شاخص در صورت تغییرات قیمت نفتی و روند قرمز بیانگر شاخص واقعی است. همان‌طور که از نمودار

